

تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳

بررسی عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران
با استفاده از رهیافت نظریه بنیانی
اقدس ولی‌زاده^۱، حسین آگهی^۲، فاطمه قربانی پیرعلیده^{۳*}، امین خلیلی^۴،
آزاده قربانی پیرعلیده^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران در استان ایلام انجام شد. رویکرد کلی تحقیق حاضر کیفی است که به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش نظریه بنیانی بهره گرفته شد. داده‌ها از طریق انجام مصاحبه انفرادی، بحث گروهی و مشاهده غیرمشارکتی با اعضای تعاونی، مدیران، کشاورزان پیشرو و کارشناسان جهاد کشاورزی جمع‌آوری و اعتبار یافته‌های پژوهش از طریق فرایند سه‌گوشه‌سازی^۶ تأیید شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، نبود مدیریت صحیح در تعاونی؛ همکاری و مشارکت نکردن اعضا؛ ناآشنایی و ناآگاهی اعضا با اصول، فلسفه و مفاهیم تعاونی؛ عدم آموزش اعضا و مدیران؛ وجود قوانین ضعیف؛ ضعف بنیة اقتصادی اعضا و نبود نظارت دولت از مهم‌ترین عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران به شمار می‌آیند. در مجموع، ایجاد الگوی مدیریتی مناسب، آموزش مدیران کارآمد، آموزش به کشاورزان و برنامه‌ریزی مدون و بلندمدت برای انجام فعالیت‌های تعاونی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عوامل بازدارنده توسعه، تعاونی‌های کشاورزی، شهرستان دهلران، نظریه بنیانی،

سه‌گوشه‌سازی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۳. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

E-mail: manigo2010@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس

مقدمه

نیاز روزافزون تولید غذا برای جمعیت در حال افزایش از یک سو و از سوی دیگر، محدود بودن منابع طبیعی موجود ایجاد تحولی در ساختار نظام بهره‌برداری بخش کشاورزی را می‌طلبد. از این رو تعاونی‌های کشاورزی، به عنوان نظام بهره‌برداری مطلوب و کارآمد، مورد توجه قرار گرفته‌اند (آقازاده و رضازاده، ۱۳۸۴).

تعاونی کشاورزی عبارت است از اجتماعی از افراد با وسایل و امکانات محدود که به صورت داوطلبانه گرد هم آمده‌اند تا اهداف اجتماعی و اقتصادی را دنبال کنند و با کار مؤثر، تأمین سرمایه مورد نیاز و پذیرش ریسک سود و منفعت بر اساس اصول تعاونی کار نمایند (لطیفیان، ۱۳۸۴). این نظام در اوایل دهه ۱۳۵۰، بعد از اصلاحات ارضی در ایران، با هدف افزایش تولید، یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، انجام خدمات زیربنایی و استفاده بهینه از نهاده‌های در دسترس شکل گرفت. بر اساس آمار اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی، حدود ۱۰۴۶ تعاونی تولید کشاورزی در کشور به فعالیت مشغول‌اند و در مجموع ۴۹۶۳ روستا را زیر پوشش دارند و تعداد اعضای آن‌ها بالغ بر ۲۷۸۳۶۲ نفر است (سعدی، ۱۳۸۶).

برای حمایت و توسعه تعاونی‌های کشاورزی دولت از دهه ۱۳۵۰ به بعد هر ساله بودجه‌های چشمگیری را به ایجاد شبکه‌های آبیاری، تسطیح اراضی و غیره اختصاص داده است. دولت با صرف این هزینه‌ها می‌کوشد تا شرکت‌های تعاونی را به عنوان یک نظام بهره‌برداری مطلوب و مناسب کشاورزی ترویج و تقویت نماید. کشورهای صنعتی برای افزایش بهره‌وری و میزان تولید و کاهش هزینه‌های بخش کشاورزی به سمت تعاونی‌ها روی آورده‌اند و در این زمینه توانسته‌اند به موفقیت‌های بالایی برسند. در ایران نیز تعاونی‌ها در هر جا که با مدیریت متخصص و سازماندهی مناسب، اعضای آموزش‌دیده و آگاه، عضویت داوطلبانه و مشارکت همگانی همراه بوده توانسته‌اند به موفقیت‌هایی دست یابند. پویش (۱۳۸۴) معتقد است که تعاونی‌ها برای اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه مناسب هستند، زیرا با گردآوری پس‌اندازهای اندک مردم، حمایت‌های مالی دولت، سرمایه‌گذاری، تولید و آموزش اعضا به ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی

کمک می‌کنند و موجبات افزایش تولید، اشتغال و رشد اقتصادی جامعه را فراهم می‌آورند و از سویی، رویکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص تعاونی‌ها- که الهام گرفته از اصول و ارزش‌های تعاون است- سبب توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نیز رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌ها در جوامع روستایی می‌شود (همان منبع). برای مثال در مطالعه‌ای در استان ایلام، اکثر اعضا و مدیران تعاونی‌های تولید کشاورزی موفقیت‌های تعاونی‌ها را در ارائه مشاوره‌های تخصصی، تأمین نهاده‌ها و امور زیربنایی و ارائه خدمات آموزشی در سطح زیاد و نسبتاً زیاد ارزیابی کرده‌اند و ۴۳٪ اعضا نیز موفقیت تعاونی‌ها را در کارکردهای تنظیم بازار و ارائه خدمات اقتصادی در سطح متوسط گزارش کرده‌اند (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۲).

اکثر مطالعات انجام شده در مورد تعاونی‌ها این تشکلهای را از لحاظ میزان تولید، افزایش درآمد و افزایش رفاه مثبت ارزیابی نموده‌اند (مانند: عبداللهی، ۱۳۷۷؛ پزشکی راد و گیانی مهر، ۱۳۸۰؛ صباغ کرمانی و عاقلی، ۱۳۸۳؛ طاهرخانی و قرنی آرانی، ۱۳۸۴). این در حالی است که مطالعات یادشده توسط کارشناسان و متخصصانی صورت پذیرفته که از بیرون به تعاونی‌ها نگریسته‌اند و آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته است، نگاه به تعاونی‌های کشاورزی از درون خود تعاونی و روستا می‌باشد. از سوی دیگر، هر چند مطالعات مختلف (مانند: Ramesha, 2003; Bhuyan, 2000; Okoye, 1997; Kashuliza & Ngoilo, 1993; Prakash, 2003; Bond et al., 2009; Stofferahn, 2010 و ازکیا، ۱۳۷۴؛ روحانی، ۱۳۷۸؛ وحیدزاده، ۱۳۸۳؛ حیدری ساربان، ۱۳۸۵) عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌ها را بررسی کرده‌اند و به کمبود امکانات، ضعف آموزش، مدیریت نامناسب، نبود تخصص در ارائه راهکارهای مناسب، مشارکت نکردن اعضا و ناآگاهی اعضا نسبت به اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی اشاره داشته‌اند، اما با توجه به اهمیت توسعه تعاونی‌ها، به مطالعات بیشتری در این خصوص نیاز است.

شهرستان دهلران بالغ بر ۱۲۵۹۶ نفر بهره‌بردار در بخش کشاورزی دارد که یک سوم جمعیت این شهرستان را تشکیل می‌دهند. بنابراین، توسعه بخش کشاورزی توسعه دیگر بخش‌های شهرستان را همراه خواهد داشت. اما قطعه قطعه بودن اراضی، عملکرد پایین اراضی و استفاده

غیربهبوده از آب در این ناحیه باعث شده است بخش کشاورزی در این منطقه جایگاهی درخور شایستگی‌اش نداشته باشد. برای رفع این مشکلات بهترین راه حل ایجاد تحول در نظام بهره‌برداری است و به‌ویژه نظام بهره‌برداری تعاونی است. ولی با این حال مشاهده می‌شود هنوز مشکلات در بخش کشاورزی پابرجاست که این مسئله نشان‌دهنده وجود ضعف در تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران در استان ایلام است. بنابراین، تحقیق کیفی حاضر به بررسی عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

مطالعات مختلفی در ایران و جهان به بررسی مهم‌ترین موانع پیش روی موفقیت تعاونی‌ها پرداخته‌اند که اکثر آن‌ها (مانند: Bhuyan, 2000; Sick, 1994; Okoye, 1997; Ramesha, 2003; Guinnance and April, 2002 و حسین آبادی، ۱۳۸۳؛ وحید زاده، ۱۳۸۳) نشان دادند مدیریت نادرست از اصلی‌ترین موانع توسعه تعاونی‌هاست.

نتایج مطالعه‌ای در زمینه "شکست تعاونی: درس‌هایی از انجمن پرورش‌دهندگان برنج کالیفرنیا" نشان داد که به علت منفعل بودن هیئت مدیره و نبود تخصص در ارائه راهکارهای مناسب در شرایط مختلف بازار، شرکت‌های تعاونی دچار بحران‌های قابل توجه مالی شده‌اند که در نهایت، این امر به انحلال این تعاونی‌ها انجامیده است. در این راستا، پیشنهاد شد هیئت مدیره مهارت‌های مالی و راهبردهای مدیریتی خود را تقویت کند تا بتواند به رقابت در بازار پردازد (Bond et al., 2009).

نتایج تحقیقی در زمینه انتقال تجربیات تعاونی‌های کشاورزی ژاپن به کشورهای در حال توسعه نشان داد که تعاون‌گران در کشورهای جهان سوم به کمبود اعتبارات، ضعف آموزش و مدیریت دچارند. در این پژوهش همچنین توسعه اعتبارات بخش کشاورزی و آموزش صحیح تعاون‌گران و کشاورزان از عوامل موفقیت تعاونی‌ها ذکر شدند (Prakash, 2003).

نتایج یک تحقیق پیمایشی در تانزانیا نشان داد که علت عدم موفقیت تعاونی‌های زراعی در این کشور، یک طرفه بودن سیاست تأسیس این تعاونی‌ها براساس رهیافت از بالا به پایین و در نتیجه، عدم مشارکت زارعان در اتخاذ این سیاست‌هاست (Kashuliza and Ngoilo, 1993). عدم مشارکت اعضا توسط سایر محققان (Ramesha, 2003) نیز مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. در مطالعه‌ای در داکوتای جنوبی، مشخص شد که تعاونی‌ها در حال تغییر از ساختار اصلی خود به شرکت‌های تخصصی‌ترند و به علت تخصص‌گرایی و شرایط اقتصادی حاکم، این شرکت‌ها در حال کوچک شدن و تضعیف هستند. بنابراین، با اعطای تسهیلات نمی‌توان به بازگشت آن‌ها کمک کرد و باید این شرکت‌ها بر اساس سلیقه افراد عضو به بخش مورد نظر هدایت شوند (Stofferahn, 2010).

در ایران نیز نظام شهیدی و علیزاده اقدام (۱۳۷۸) نشان دادند نظام مشارکت اقتصادی و مالی اعضا عامل مهمی در موفقیت تعاونی‌هاست. معمولاً دست کم بخشی از سرمایه در مالکیت عمومی تعاونی است و بخش چشمگیری از آن را اعضا به صورت مستقیم تأمین می‌کنند. از سوی دیگر، توزیع به‌هنگام سود و مازاد درآمد در میان اعضا حمایت آنان را برای پیش‌برد اهداف عالی‌تر جلب می‌کند.

همان‌طور که نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد یکی از آسیب‌های مهم در تعاونی‌های تولید، آگاهی محدود اعضا از اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی‌های تولید است (Ramesha, 2003 و روحانی، ۱۳۷۸، حیدری ساربان، ۱۳۸۵).

در ایران در مطالعات مختلف، محققان به این نتیجه رسیدند که آموزش در موفقیت تعاونی‌ها تأثیر درخور توجهی دارد (امینی و صفری شالی، ۱۳۸۱). بنابراین، عدم آموزش اعضا موجب ناکامی تعاونی‌ها می‌شود (Prakash, 2003 و ازکیا، ۱۳۷۴).

وجود قوانین و مقررات ضعیف در تعاونی‌ها (ازکیا، ۱۳۷۴) و ضعف بنیة مالی اعضای تعاونی (ازکیا، ۱۳۷۴؛ وحیدزاده، ۱۳۸۳؛ شعبانعلی فمی، ۱۳۸۵) از دیگر موانع پیش روی توسعه

تعاونی‌ها می‌باشد. با شناسایی عوامل بازدارنده تعاونی‌های کشاورزی می‌توان به مسئولان و اعضای تعاونی کمک کرد تا این مشکلات را رفع کنند.

با این مقدمه، در این تحقیق سعی شده است با استفاده از روش نظریه بنیانی به بررسی عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران پرداخته شود.

روش تحقیق

رویکرد کلی تحقیق حاضر کیفی است که به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش نظریه بنیانی بهره گرفته شد. این پژوهش در سال ۱۳۸۹ انجام گرفت و در آن ضمن اجرای سیستماتیک مراحل نظریه بنیانی، هنگام مواجهه با کمبود اطلاعات برای گرفتن اطلاعات بیشتر به نمونه‌های بعدی مراجعه شد. به این روند، نمونه‌گیری نظری^۱ گفته می‌شود. این روند تا زمانی ادامه می‌یابد که محقق به اشباع نظری^۲ برسد (Wuest & Merritt Gray, 2002). نظریه بنیانی را نظریه داده بنیاد، نظریه زمینه‌ای، تئوری مفهوم سازی بنیاد و گراند تئوری نیز می‌گویند. نظریه داده بنیاد (نظریه بنیانی) عبارت است از: «فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌ها گردآوری شده به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۶، ۵). بنیان‌گذاران این متدولوژی دیدگاه‌های خود را درباره آن در کتاب «کشف نظریه‌ی داده بنیاد»^۳ چنین بیان داشته‌اند «انگیزه‌ی اصلی ما از معرفی این تئوری، رسیدن به مرحله‌ای از شناخت در مورد موضوع مورد مطالعه است که ما را قادر می‌سازد تا نظریه‌ای را که ساختیم بر اساس داده‌های واقعی استحکام بخشیم» (Glaser & Strauss, 1967). به کارگیری روش‌های چندگانه در جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی، اعتبار یافته‌های این روش را از طریق فرایندی که از آن به عنوان سه گوشه‌سازی (مثلث بندی) یاد می‌شود، افزایش می‌دهد. در تحقیق حاضر از تکنیک‌های گوناگونی شامل مصاحبه انفرادی، بحث گروهی و مشاهده غیرمشارکتی

1. Theoretical Sampling
2. Theoretical Saturation
3. The Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research

استفاده شد. همچنین داده‌ها از منابع چندگانه مانند اعضای تعاونی، مدیران، کشاورزان پیشرو و کارشناسان جهاد کشاورزی جمع‌آوری شد. در مجموع، به ۶ مورد از تعاونی‌های کشاورزی، ۲ مورد از تعاونی‌های تولید و همچنین کشاورزان پیشرو عضو تعاونی روستایی مراجعه شد و ۶۴ مصاحبه (انفرادی) و ۸ مورد بحث گروهی به اجرا درآمد. همچنین از طریق ۱۸ مورد مشاهده مستقیم بخشی از اطلاعات به دست آمد.

روند تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، در ۳ مرحله انجام گرفت: ۱. کدگذاری باز^۱، ۲. کدگذاری محوری^۲، ۳. کدگذاری انتخابی^۳ و در کدگذاری باز، یادداشت‌های میدانی و کلیه نوشته‌های جمع‌آوری شده بازخوانی و جملات اصلی موجود در نوشته‌ها استخراج شد. سپس عبارت‌ها و جمله‌های دارای ماهیت مشابه با یکدیگر ترکیب و زیرطبقه‌ها تشکیل گردید. در مرحله کدگذاری محوری، زیرطبقه‌های حاصل از مرحله قبل دسته‌بندی و طبقه‌های جامع و مانع تشکیل شد. در کدگذاری انتخابی، تمامی مراحل به صورت توأم مورد توجه قرار گرفت و مفهوم اصلی، که داده‌ها را حول یک محور قرار می‌داد، شناسایی شد. خروجی نهایی حاصل از نظریه بنیانی می‌تواند یک عبارت، مدل، تصویر و یا یک جدول باشد (دانایی فرد، ۱۳۸۴؛ منصوریان، ۱۳۸۶؛ استراوس و کوربین، ۱۳۸۷).

گفتنی است هر روایت کیفی از دنیای تحت مطالعه، به یک داستان شباهت دارد که می‌توان برای آن یک خط اصلی داستانی^۴ (خط سیر داستانی) پیدا کرد؛ به عبارت دیگر، برخی عناصر در داستان بیشتر از بقیه اهمیت دارند و بقیه رخدادها بر پایه آن‌ها هویت می‌یابند و به وجود می‌آیند. محقق نه تنها خط اصلی یا محور داستان را می‌یابد بلکه می‌تواند دقیقاً مشابه مرحله کدگذاری باز به این مقوله محوری نامی را هم اختصاص بدهد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵). در واقع آنچه در این مرحله از تحقیق اتفاق می‌افتد، تحلیل کل‌نگرانه بر فرایندهایی است که در طول تحقیق رخ داده است و پژوهشگر بر اساس تمامی داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که در

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding
 4. Story Line

مسیر پرپیچ و خم پژوهش اندوخته است خط سیر داستان را دنبال می‌کند. بنابراین، داستان به طور ساده، توصیف خاصی است درباره پدیده اصلی که مطالعه می‌شود و خط سیر داستانی، مفهوم‌سازی چنین داستانی است.

نتایج و بحث

پس از بررسی نوارهای ضبط شده و دستنوشته‌های حاصل از فنون گردآوری داده‌ها، موارد مشابه ادغام و نکات کلیدی در قالب کدها و مفاهیمی خلاصه شد (جدول ۱). در یک ستون کد مفاهیم و در ستون مقابل مفاهیم درج شده است به طوری که نکات کلیدی اعضای تعاونی با n و نکات کلیدی مدیران با m نمایش داده شدند.

جدول ۱. مفهوم سازی داده‌ها (کدگذاری باز)

کد	مفاهیم
n۰۱	شرکت تعاونی همیشه باید در کنار کشاورز باشد و کود و سم و بذر مورد نیاز کشاورز را تأمین کند.
n۰۲	هر کسی به فکر خودش می‌باشد و پارتی بازی وجود دارد.
n۰۳	وظیفه تعاونی وام دادن به کشاورزان است.
n۰۴	در بازاریابی و فروش محصولاتی مانند صیفی‌جات هیچ گونه کمکی نمی‌کنند.
n۰۵	مدیرعامل هر وقت حوصله داشته باشد کار انجام می‌دهد.
n۰۶	هیئت مدیره تعاونی فقط در جهت منافع شخصی خود فعالیت می‌کند و فقط در زمینه خرید گندم کار انجام می‌دهد.
n۰۷	تعاونی می‌خواهد به اسم تعاونی زمین‌های ما را از ما بگیرد.
n۰۸	در تعاونی، وسایل و ادوات کشاورزی را افراد خاصی می‌برند و به دیگران چیزی تعلق نمی‌گیرد.
n۰۹	تعاونی باسکول را طوری تنظیم می‌کند که بار ماشین کمتر از آنچه هست به نظر رسد.
n۱۰	تعاونی به ما کشاورزان سودی نمی‌رساند تا جایی که از خرید تضمینی بموقع گندم سرباز می‌زند.
n۱۱	موقعی که می‌توانم کارم را بدون دردسر و به تنهایی به ثمر برسانم چرا دسته جمعی آن را انجام دهم.
n۱۲	فقط به خاطر گرفتن نهاده‌ها عضو تعاونی شده‌ام و متأسفانه گاهی اوقات همین نهاده‌ها نامرغوب هستند.
n۱۳	کسی به عنوان رهبر و مدیر مسئولیت انجام امور را تقبل نمی‌کند.
n۱۴	در هنگام تشکیل، هیچ‌گونه آموزشی در مورد اصول و ارکان تعاونی و نحوه اداره تعاونی به ما ارائه نشد.
n۱۵	تعاونی تا کنون به ما سود نپرداخته است.
n۱۶	هئیت مدیره به فکر تیغ زدن کشاورزان است، به این صورت که هنگام تحویل محصول به سیلو افت و رطوبت بالا برای کشاورز منظور می‌کند.
n۱۷	۳۰ میلیون وام بلاعوض اعطا شده به شرکت معلوم نشد چگونه خرج شد.

ادامه جدول ۱

n118	مدیریت افراد غریبه را قبول نداریم.
n119	دولت به ما هیچ کمکی نمی‌کند.
n120	ما فقط عضو تعاونی هستیم و در شرکت تعاونی فعالیت نداریم.
n121	تمام مسائل ومشکلاتمان را با مرکز ترویج و خدمات در میان می‌گذاریم نه با تعاونی.
n122	کم‌رنگ شدن عاطفه و محبت بین افراد باعث شده همکاری بین افراد کم رنگ شود.
n123	مدیران تعاونی دزدی می‌کنند و زمینه سودجویی بعضی از اعضا وجود دارد.
n124	فردگرایی و فرهنگ تکروی کشاورزان منجر به ناکارآمد شدن شرکت‌ها شده است.
n125	افراد حاضر نیستند برای انجام امور به مدیر هزینه‌ای پرداخت کنند.
n126	با اینکه هم‌اکنون شرکت راکد است، بعضی از مهر شرکت برای کارهای شخصی سوء استفاده می‌کنند.
m127	ناآگاهی کشاورزان و کم تجربگی آن‌ها در مورد تأسیس شرکت، انتخاب هیئت مدیره و مدیر عامل
m128	عدم آموزش اعضا و آگاه نبودن بهره‌برداران قبل از تشکیل
m129	اعضا از پرداخت حق عضویت خود در شرکت سر باز می‌زنند.
m130	ناآگاهی بهره‌برداران از قوانین و مقررات شرکت‌ها
m131	در کارهای اشتراکی کم‌کاری دیگران تحمل نمی‌شود و با عنوان کردن آن مشکل به وجود می‌آید.
m132	ناسازگاری‌های خانوادگی در هنگام انجام کار گروهی
m133	باقت سنتی و قبیله‌گرایی در این منطقه و بی‌اعتمادی اعضا به یکدیگر
m134	زبان گویای مدیرعامل الماس برنده تعاونی‌هاست.
m135	فقدان مدیران کارآمد و با تجربه که بتوان به آن‌ها اعتماد کرد و کار را به آن‌ها سپرد.
m136	جلسات به صورت صوری برگزار می‌شود و یکی از اعضا به جای همه امضا می‌کند.
m137	از شرکت انتظار می‌رود خدمات و تسهیلات بلاعوض بپردازد.
m138	کشاورزان حاضر به تقبل هزینه برای تأسیس شرکت تعاونی نیستند.
m139	نبود سرمایه
m140	مالکیت جمعی را به خاطر روحیه فردگرایی قبول ندارند.
m141	به عنوان مدیرعامل ما فقط دور هم جمع می‌شویم و صورت جلسه صوری را امضا می‌کنیم.
m142	نبود هماهنگی لازم بین بخش‌های اجرایی
m143	اعضا با حقوق خود آشنایی ندارند.
m144	احساس نیاز به تشکیل تعاونی از طرف دولت نه کشاورزان
m145	تعاونی در حکم نهاد خدماتی می‌باشد.
m146	حمایت‌های بلاعوض دولت بدون نظارت است.
m147	اعمال مدیریت چندگانه ادارات در تعاونی‌ها (تعاون روستایی و وزارت تعاون- سازمان جهاد کشاورزی)

در کدگذاری محوری، طبقات گسترده حاصل شد که هر یک خرده طبقاتی دارد (جدول ۲).

جدول ۲. طبقات گسترده و خرده طبقات حاصل از مفاهیم (کد گذاری محوری)

خرده طبقات	طبقات گسترده
در آمد پایین و کم سواد اعضا ترس از دست دادن مالکیت و عملکرد پایین بی اعتمادی اعضا به یکدیگر و به هیئت مدیره بدبینی نسبت به تعاونی و فرهنگ تک روی منفعل بودن اعضا به خاطر وابستگی به دولت	عدم همکاری
توزیع نهاده‌های نامرغوب پرداخت نشدن سود سهام کمک نکردن به اعضا در امور بازاریابی	عملکرد نامطلوب تعاونی
تبعیض در دستیابی به فرصت‌ها و حمایت‌ها (پارتنری بازی) سوء استفاده مدیران از موقعیت ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی از سوی مدیران نبود مدیر و رهبر مقتدر و کارآمد در بین اعضا نبود هماهنگی بین بخش‌های اجرایی (تعاون روستایی، جهاد کشاورزی، اداره تعاون)	نبود مدیریت صحیح در تعاونی
تعاونی در حکم نهاد دولتی نگاه خدماتی و کمیته امدادی به تعاونی	ناآشنایی با اهداف تعاونی
اطلاع و آگاهی نداشتن از نحوه اداره تعاونی ناآشنایی اعضا با اصول تعاون و قوانین تعاونی	ناآشنایی با اصول تعاونی
عدم آموزش اعضا و مدیران در بدو تأسیس تعاونی و پس از آن ناآشنایی اعضا با حقوقشان	عدم آموزش
شفاف نبودن حقوق تعاونی‌ها در مقابل بانک‌ها سوء استفاده از تعاونی به دلیل نبود قوانین روشن	نبود قوانین محکم و صریح
رکود تعاونی بعد از قطع شدن حمایت‌ها عدم احساس نیاز کشاورزان به تعاونی مشارکت نکردن اعضا در مراحل اولیه تأسیس شرکت راه اندازی تعاونی توسط دولت	تشکیل تعاونی بدون مشارکت اعضا

منبع: یافته‌های تحقیق

با ارتباط دادن مقولات به دست آمده به یکدیگر و برداشت محقق، یک خط اصلی داستانی ایجاد گردید. بر این اساس، برخی عناصر در این داستان بیشتر از بقیه اهمیت داشتند و بقیه رخدادهای بر حول آنها شکل گرفتند.

خط سیر داستانی

بعد از گذشت ۱۹ سال از تشکیل تعاونی‌های کشاورزی و پتانسیل‌های کشاورزی موجود در منطقه، هنوز نظام بهره‌برداری غالب در منطقه، نظام بهره‌برداری خرده‌دهقانی می‌باشد. در مجموع، مشاهدات میدانی بر نبود تعاونی‌های کشاورزی و صوری بودن آنها در این منطقه صحه می‌گذارد. مدیریت نادرست در تعاونی، توزیع نهاده‌های نامرغوب و پرداخت نکردن سود سهام از جمله مهم‌ترین عوامل بازدارنده توسعه تعاونی به شمار می‌آیند که توسط اعضا نیز به آنها اشاره شد. به اعتقاد اعضای تعاونی و کشاورزان پیشرو، شرکت‌ها فقط متعلق به مدیرعامل و هیئت‌مدیره‌اند و آنها با نیت استفاده‌های مشخص و بهره‌گیری از موقعیت خود در به دست آوردن تسهیلات بلاعوض بانکی عضو هیئت‌مدیره شده و پس از استفاده از این تسهیلات و موقعیت‌ها انگیزه خود را برای ادامه فعالیت از دست داده‌اند. متأسفانه هیئت‌مدیره امکانات و تسهیلات را در اختیار افراد خاصی قرار داده‌اند (پارتی‌بازی). عملکرد منفی مدیران بدبینی عمیق اعضا نسبت به مدیران را در پی داشته است. مدیریت ناصحیح در رده‌های بالای مدیریتی منجر به از هم گسیختگی برنامه‌ها شده است.

اعضای تعاونی و کشاورزان پیشرو اذعان کرده‌اند که در صورت عضو نشدن در تعاونی زمین‌دار نمی‌شوند یا از تسهیلات بانکی بهره‌مند نمی‌گردند. از سوی دیگر، درآمد اندک ناشی از عملکرد پایین اراضی منجر به فقر اقتصادی اعضا شده و حس خودباوری و وابستگی به دولت را در اعضا ایجاد کرده است.

فقر اقتصادی، ترس از دست دادن اراضی، فرهنگ تک روی (که نهادینه شده است)

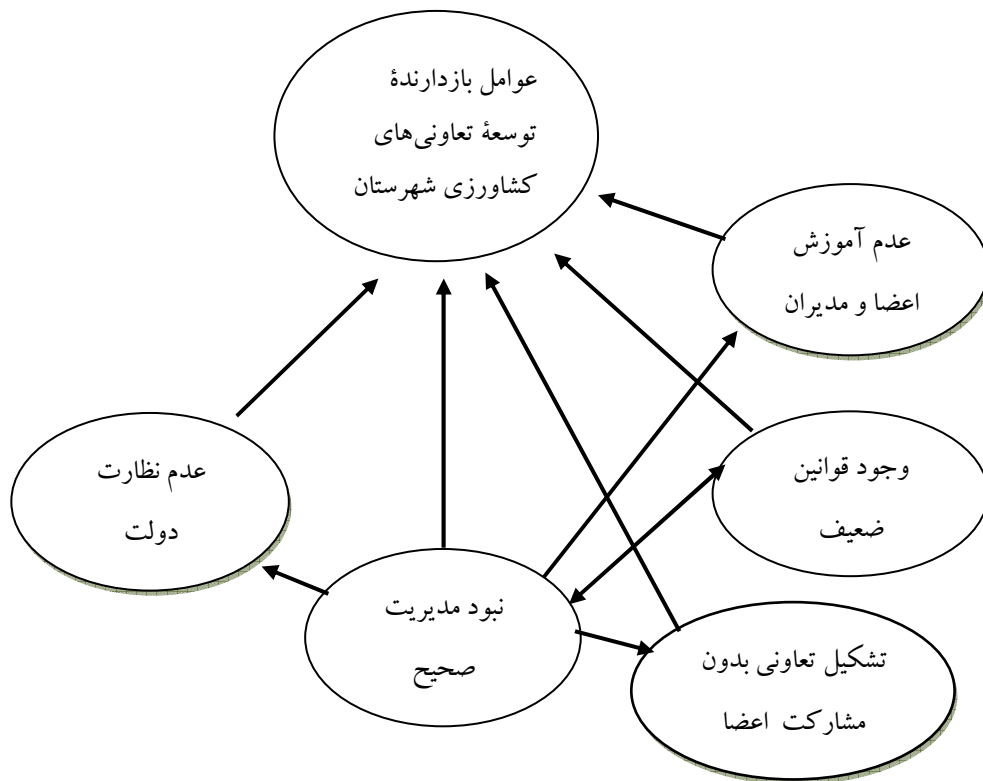
بی‌اعتمادی اعضا به یکدیگر و بی‌اعتمادی به هیئت مدیره باعث شده است که اعضا با یکدیگر همکاری نداشته باشند. با وجود این، اگر مدیر و رهبر تعاونی فردی شایسته و کارآمد بود می‌توانست با عملکرد مثبت نظر اعضا را تغییر دهد و آن‌ها را به همکاری تشویق کند.

کشاورزان به لزوم تشکیل و منافع و مزایای تعاونی پی نبرده‌اند. آن‌ها تعاونی را یک نهاد دولتی قلمداد می‌کنند و هیچ حس تعلقی به تعاونی ندارند. اعضای تعاونی از شرکت تعاونی انتظار کمک‌های بلاعوض دارند و تنها وظیفه تعاونی را دادن خدمات می‌دانند.

ناآشنایی با اصول و اهداف تعاونی شاید از عدم آموزش مناسب نشأت می‌گیرد. در این باره، متأسفانه آموزش‌های مناسب در بدو تأسیس تعاونی و بعد از آن برای اعضا و مدیران برگزار نشده است.

طبق نظر اعضای تعاونی، با قطع حمایت‌های دولتی اکثر شرکت‌ها با رکود مواجه شده‌اند. بنابراین می‌بایست یک شرکت بر اساس احساس نیاز خود اعضا تشکیل می‌شد. در تعاونی‌ها به سبب نبود قوانین صریح و محکم، سوءاستفاده‌های زیادی از تعاونی توسط افراد خاص صورت گرفت.

در نهایت، مدیران و کارشناسان به مقوله عدم نظارت دولت بر عملکرد تعاونی اشاره کردند که در توسعه نیافتگی تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران مؤثر می‌باشد. به نظر می‌رسد ساماندهی تعاونی‌های فعلی و ایجاد بسترهای مناسب برای آشنا نمودن کشاورزان با مزایای تعاونی گامی بزرگ در پیشرفت کشاورزی منطقه باشد. در مرحله کدگذاری انتخابی و طراحی مدل، پس از بررسی خط اصلی داستان، ارتباط بین مقولات و مقوله محوری برقرار شد و نظام ارتباطات میان آن‌ها بیان گردید. در نتیجه، نظریه یا مدل زیر به دست آمد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل نهایی تحقیق

بر پایه نتایج، عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران عدم مدیریت صحیح می‌باشد که این عامل در توسعه تعاونی‌های کشاورزی تأثیر منفی دارد. این نتیجه با یافته‌های برخی مطالعات (مانند: Bhuyan, 2000; Okoye, 1997; Sick, 1994 و Bond et al., 2009; Prakash, 2003; Ramesha, 2003; Guinnance and April, 2002 حسین آبادی، ۱۳۸۳؛ وحید زاده، ۱۳۸۳) هم‌خوانی دارد.

طبق پژوهش حاضر، یکی از عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌ها عدم همکاری و مشارکت اعضا به دلیل روحیه فردگرایی و فرهنگ تک‌روی می‌باشد که با نتایج برخی مطالعات (مانند:

Kashuliza & Ngoilo, 1993; Ramesha, 2003 و نظام شهیدی و عزیزاده اقدام، (۱۳۷۸) هم‌خوانی دارد.

همچنین بر اساس نتایج تحقیق، یکی از عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی دهلران عدم آموزش اعضا و مدیران است که با مطالعه ازکیا (۱۳۷۴) سازگار است. عدم آموزش منجر به ناآشنایی و ناآگاهی اعضای تعاونی نسبت به اصول و مفاهیم تعاون و مزایای تعاونی شده است که این نتیجه با یافته‌های تحقیقات پژوهشگرانی چون رامشا (۲۰۰۳)، روحانی (۱۳۷۸) و حیدری ساریان (۱۳۸۵) مطابقت دارد.

از دیگر نتایج تحقیق وجود قوانین و مقررات ضعیف بوده که سبب شده است جایگاه تعاونی از نظر حقوقی مشخص نباشد. این یافته با نتایج تحقیق ازکیا (۱۳۷۴) سازگار است. ضعف بنیه اقتصادی - که از نتایج تحقیق است - توسط ازکیا (۱۳۷۴)، وحیدزاده (۱۳۸۳) و شعبانعلی فمی (۱۳۸۵) تأیید شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین عوامل بازدارنده توسعه تعاونی‌های کشاورزی شهرستان دهلران عبارت‌اند از: نبود مدیریت صحیح در تعاونی، نبود همکاری و مشارکت اعضا، ناآشنایی و ناآگاهی اعضا نسبت اصول و مفاهیم تعاونی، عدم آموزش اعضا و مدیران، وجود قوانین ضعیف، ضعف بنیه اقتصادی اعضا و عدم نظارت دولت. دستیابی به وضعیت مطلوب به دلیل عوامل بازدارنده متعدد زمانبر است، ولی برای رسیدن به وضعیتی بهتر پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- بر اساس یافته‌های تحقیق، محوری‌ترین عامل بازدارنده در توسعه تعاونی‌های شهرستان دهلران نبود مدیریت صحیح در تعاونی است. بنابراین، توصیه می‌شود در تعاونی، الگوی مدیریتی ارزش‌مدار - خدمتگزار ایجاد گردد. در چنین الگویی اصول مهمی چون کثرت‌گرایی، هم‌زیستی، استقلال فردی، عدالت در توزیع، مردم‌داری و نقش چندگانه کار و کارگر وجود دارد.

- علاوه بر آموزش مدیران، آموزش باید در سطح وسیع در جامعه انجام گیرد تا افراد جامعه با تعاونی و مزایای آن آشنا شوند و افرادی که مشتاق تشکیل تعاونی هستند به صورت خودجوش به تشکیل تعاونی اقدام کنند. مسلماً چنین تعاونی‌هایی احتمال موفقیت بالاتری دارند.

- نمی‌توان انتظار داشت در زمان کوتاهی تمام تعاونی شهرستان فعال شوند، بلکه لازم است برنامه‌ریزی بلندمدت و مدون برای تعاونی‌های شهرستان متناسب با نوع فعالیت انجام پذیرد.

منابع

۱. آقازاده، ه. و رضازاده، ح. (۱۳۸۴). آموزش و پرورش کارآفرینان، ضرورت توسعه تعاونی‌ها، مجموعه مقالات منتخب اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال، توسعه و دانشگاه یزد. اردیبهشت ۱۳۸۴.
۲. احمد پور، ا.، مختاری، و. و پورسعید، ع.ر. (۱۳۹۲). سنجش میزان موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی استان ایلام. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۲(۸)، ۲۷-۴۴.
۳. ازکیا، م. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
۴. استراوس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. امینی، ا.م. و صفری شالی، ر. (۱۳۸۱). ارزیابی تأثیر آموزش در موفقیت شرکت‌های تعاونی مرغداران. فصلنامه کشاورزی و منابع طبیعی ۶ (۲)، ۱۰۵-۱۱۹.
۶. پزشکی راد، غ. ر. و کیانی مهر، ح. (۱۳۸۰). نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در بهبود وضعیت فنی و اقتصادی کشاورزان. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۹(۳۴)، ۳۴۳-۳۶۲.
۷. پویس، ا. (۱۳۸۴). تعاونی‌ها: محور توسعه‌ی کشورهای جهان سوم، چکیده مقالات کنفرانس تعاون. اشتغال و توسعه. یزد: دانشگاه یزد.
۸. حسین آبادی، ر. (۱۳۸۳). مدیریت در تعاونی‌ها. مجله تعاون، ۱۵(۱۵۹)، ۷۲-۷۳.

۹. حیدری ساریان، و. (۱۳۸۵). تشکیل تعاونی‌ها روستایی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه پایدار محیطی. ماهنامه جهاد، ۲۶(۲۷۵)، ۲۵۸-۲۷۶.
۱۰. دانایی فرد، ح. (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی، استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیاد. مجله دانشور رفتار، ۱۲(۱۱)، ۵۷-۷۰.
۱۱. روحانی، س. (۱۳۷۸). بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید استان همدان (طرح پژوهشی). فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۷(۲۵)، ۱۸۷-۲۰۹.
۱۲. سعدی، ح. (۱۳۸۶). ارزیابی تعاونی‌های تولید روستایی در شهرستان کبودر آهنگ استان همدان. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱(۲)، ۱۳۶-۱۶۰.
۱۳. شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران. مطالعات زنان، ۲(۴)، ۸۹-۱۱۰.
۱۴. صباغ کرمانی، م. و عاقلی، ل. ع. (۱۳۸۳). ضرورت ارتقای تعاونی‌ها و جایگاه آن در بخش سوم اقتصاد. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۸(۲)، ۱۲۷-۱۴۸.
۱۵. طاهرخانی، م. و قرنی آرائی، ب. (۱۳۸۴). مطالعه‌ی عوامل موثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی، مطالعه‌ی موردی: دهستان قنات قم. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳(۲۰)، ۸۱-۱۰۱.
۱۶. عبداللهی، م. (۱۳۷۷). مطالعه تطبیقی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و ارزشیابی عملکرد آنها به منظور شناخت انواع و ویژگی‌های نظام بهره‌برداری بهینه و مناسب در ایران. تهران: معاونت امور نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی.
۱۷. لطیفیان، ا. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان خراسان در سازمان‌دهی نیروی انسانی پراکنده (ارائه راهکارهای مناسب). پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، ۱۷(۵)، ۱۱۹-۱۴۲.
۱۸. منصوریان، ی. (۱۳۸۶). گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد. ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه‌اطلاعاتی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۹. نظام شهیدی، م. و علیزاده‌ا قدم، ر. (۱۳۷۸). *اصول مدیریت تعاونی‌ها*. تهران: نشر لادن.
۲۰. وحید زاده، ع. (۱۳۸۳). آسیب شناسی مدیریت در شرکت‌های تعاونی تولید (صنغی). *مجله تعاون*، ۱۵ (۱۵۹)، ۶۰-۶۳.
21. Bhuyan, S. (2000). Grower and manager issues in fruit and vegetable cooperatives. Annual Meeting. Retrieved 2000/01/05 from <http://www.agecon.kus.edu/accc/ncr194>.
22. Bond, K., Carter, A., & Sexton, J. (2009). A study in cooperative failure: lessons from the rice growers association of Californi. *Journal of Cooperatives Minesota*, 23, 71- 86.
23. Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The discovery of the grounded theory: strategies for qualitative research*, New York: Aldine de Gruyter
24. Guinnance, T., & April, W. (2002). *Regional organization in the German cooperative banking system in the late 19 the Century*, Department of Economics. Yale University 248-249.
25. Kashuliza, A.K., & Ngoilo, L. N. (1993). *Operational and financial performance of farmer cooperative in Tanzania*. Agricultural cooperative in transition Boulder Colorado. USA, Westview Press, 17(3), Abstract Number 1950.
26. Okoye, C. U. (1997). Some administrative and management problem of cooperative in developing countries: the case of Nigeria. *Journal of Rural Development and Administration*, XXIX(1), 27-42.

27. Prakash, D. (2003). *Development of agricultural cooperatives- relevance of Japanese experiences to development countries*. New Dehli: Rural Development and Management Centre.
28. Ramesha, K. (2003). *Cooperative banking and financial sector reforms*. India: National Institute of Bank Management India.
29. Sick, D. (1994). The golden bean: coffee, cooperatives and small farmer decision making in Costa Rica. McGill University (Canada): *Dissertation Abstracts International*, 56 (2), 246- 256.
30. Stofferahn, W. (2010). South Dakota soybean processors: the discourse of conversion from cooperative to limited liability corporation. *Journal of Cooperatives, Minnesota*, 24, 13- 43.
31. Wuest, J., & Merritt Gray, M. (2002). Illuminating social determinations of women's health using rounded Theory. *Health Case for Women International*, 23, 794-808.

An Investigation Regarding Factors Inhibiting the Development of Agricultural Cooperatives in Dehloran Township by the use of Grounded Theory Approach

A. Valizadeh¹, H. Agahi², F. Ghorbani Piralidehi^{3},
A. Khalili⁴, A. Ghorbani Piralidehi⁵*

Received: 06/11/2013 Accepted: 29/04/2014

Abstract

This study examined the factors inhibiting the development of agricultural cooperatives in Dehloran Township by the use of grounded theory. This was a qualitative study. Therefore a grounded theory approach was used to interpret and analyze data. Data were gathered through conducting Individual interviews, implementing focus group meetings and non-participatory observations with the cooperative members, directors, leading farmers and agricultural experts. The validity of the research findings was gained through the use of triangulation approach. Based on the research findings lack of proper management of the cooperatives, lack of collaboration among cooperative members, lack of awareness and knowledge of members regarding the principles, philosophies and concepts of cooperatives as well as lack of training for the cooperative's staff and administrators, lack of laws and regulations, weak financial situation among members, lack of governmental supervision were the most important inhibiting factors on the development of agricultural cooperatives in Dehloran Township. A proper and efficient management functions, providing proper training for farmers and having a systematic and long term plans for cooperative activities are recommended.

Keywords: Inhibiting Factors on Development, Agricultural Cooperatives, Dehloran Township, Grounded Theory, Triangulation

1. Former Master Student, Department of Rural Development, Razi University, Kermanshah, Iran

2. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Razi University, Kermanshah, Iran

3. Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Razi University, Kermanshah, Iran

*Corresponding Author

E-mail: manigo2010@yahoo.com

4. Former Master Student, Department of Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran

5. Master Student, Department of Curriculum Development, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran